

۴. منشأ فرشتگان سقوطکرده: نبرد روحانی و نفیلم در پیدایش ۶

لینک ویدیوی یوتیوب: <https://youtu.be/2uTx0pp8M> 4

در مجموعه مطالعات خود در مورد جنگ روحانی و غلبه بر شر، تاکنون قلمرو نادیدنی فراتر از پنج حس را بررسی کرده‌ایم. سپس، پیروزی بر شیطان را که توسط خداوندگار ما عیسی به نیابت از مؤمن در مسیح به دست آمد، مورد بحث قرار دادیم. در مطالعه قبلی خود، با بررسی چهار دسته از موجودات شروری که پولس در افسسیان ۶:۱۲ فهرست می‌کند، شروع به آشکار ساختن این کردیم که چگونه دشمن ما علیه پادشاهی خدا عمل می‌کند. حواری پطرس نوشت که باید هوشیار و بیدار باشیم زیرا «دشمن شما، شیطان، مانند شیر غران می‌گردد و در پی آن است تا کسی را ببلعد» (اول پطرس ۵: ۸). مطالعه امروز ما بر این متمرکز است که چگونه شیطان و فرشتگان سقوطکرده در پی فاسد کردن بشر بوده‌اند و چگونه عیسی راه بازگشت را فراهم کرده است. تا زمان بازگشت مسیح، ما در یک نبرد روحانی درگیر هستیم و اگر ماهیت این مبارزه را به‌طور کامل درک نکنیم، با چالش‌هایی روبرو خواهیم شد. اگرچه درک ما محدود است، اما همه آنچه برای غلبه بر شر با نیکی نیاز داریم به ما داده شده است، زیرا این نبرد، نبرد اوست. این جنگ میان نور و تاریکی از همان ابتدا جریان داشته است. این فساد چگونه آغاز شد؟ کتاب مقدس نه تنها به ما می‌گوید که چگونه آغاز شد، بلکه چگونه پایان خواهد یافت را نیز بیان می‌کند. در این مطالعه، ما منشأ و ماهیت فساد دشمن و همچنین درمان الهی را بررسی خواهیم کرد.

راهبرد مار: فساد در باغ عدن

هنگامی که یوحنا رسول نوشت «شیطان از ابتدا مرتکب گناه شده است» (اول یوحنا ۸: ۳)، منظورش از «ابتدا» چه بود؟ آ. دبلیو. پینک در کتاب خود «فساد انسان» به این می‌پردازد که آدم و حوا پیش از سقوط انسان چه مدت در باغ عدن ماندند. او دیدگاهی جالب در مورد ترجمه پادشاه جیمز از مزمور ۴۹:۱۲ ارائه می‌دهد: «با این حال انسان در عزت نمی‌ماند».

در مزمور ۴۹:۱۲، واژه عبری برای «انسان» همان «آدم» است – همانند آنچه در پیدایش ۲ و ۳ و ایوب ۳۱:۳۳ آمده – در حالی که واژه به کار رفته برای «اقامت کردن» به معنای «ماندن یا اقامت شبانه» است. منتون آن را این‌گونه ترجمه کرده است: «آدم در جلال، حتی یک شب نیز باقی نمی‌ماند.» و توماس واتسون، در کتاب خود، «بدنه الهیات»، گفت: «پس به نظر می‌رسد که آدم حتی یک شب هم در بهشت اقامت نکرد.» چهارم، شیطان «از ابتدا قاتل بود» (یوحنا ۸: ۴۴) — نه از ابتدای زمان، زیرا در پنج روز اول انسانی برای کشتن وجود نداشت، بلکه از ابتدای تاریخ بشر. صبحگاه، انسان مقدس بود؛ شب‌هنگام، گناهکار شد!^۱

شیطان در فاسد کردن جدّ و جدود ما، یعنی زن و مرد، شتاب کرد، پیش از آنکه فرزندی در پاکدامنی مطلق متولد شود که او نیز مجبور به مقابله با او باشد. جنگ آغاز شده بود!

پروتو-انجیل: وعده نجات‌بخش از جانب خدا

در باغ عدن، خداوند انجیل را از پیش به آدم و حوا با این کلمات اعلام کرد:

^{۱۴} پس خداوند خدا به مار گفت: «از آنجا که این کار را کرده‌ای، ملعون‌تر از همه دام‌ها و همه حیوانات وحشی خواهی بود! بر شکم خزنده خواهی بود و در تمام روزهای زندگیت خاک خواهی خورد. و من دشمنی میان تو و زن و میان نسل تو و نسل او خواهم نهاد؛ او سر تو را خواهد شکست و تو پاشنه او را خواهی زد» (پیدایش ۳: ۱۴-۱۵؛ تأکید از ماست).

خداوند وعده داد که «نسل زن» سر مار را خواهد شکست. دانستن اینکه پیروزی بلافاصله پس از سقوط اعلام شد،

^۱ http://www.pbministries.org/books/pink/Depravity/deprave_02.htm این نقل‌قول در پاراگراف پنجم تحت عنوان «تغییر پذیری انسان» آمده است.

چگونه دیدگاه شما را نسبت به نبردهای روحانی کنونی‌تان تغییر می‌دهد؟

شیطان، فرشته‌ای سقوط کرده، در قالب مار ظاهر شد و آدم را وسوسه کرد تا به جای پایبندی به دستورهای خدا، از او اطاعت کند. فوراً، خدا بر دشمن حکم صادر کرد. خدا اجازه نخواهد داد که سلطه شیطان بر بشریت برای همیشه ادامه یابد. خداوند از کسی سخن گفت که او را خواهد فرستاد تا بندگی بشریت در برابر شیطان را بشکند. خداوند دشمنی را بین نسل زن (مسیح) و کسانی که به خدمت شیطان سپرده شده‌اند، اعلام کرد: «**دختر باکره باردار خواهد شد و پسری خواهد زایید و او را عمانوئیل خواهد نامید» (اشعیا ۷: ۱۴)**. عمانوئیل به معنای «خدا با ماست» است. این تجسد خداوند بر روی زمین دلیل آن است که پسر ابدی خدا باید به صورت انسان به زمین می‌آمد، زیرا این نسل زن بود که شیطان را له می‌کرد. نسل زن، خداوند عیسی مسیح است. در کتاب مکاشفه، کسانی که در یگانگی با مسیح درمی‌آیند (یوحنا ۱۷: ۲۱-۲۳) بر شیطان پیروز خواهند شد: «**آنها به واسطه خون بره و کلام شهادت خود بر او [شیطان] غلبه کردند؛ آنها جان خود را تا سر حد مرگ دوست نداشتند» (مکاشفه ۱۲: ۱۱)**. اگرچه شیطان به پاشنه مسیح ضربه خواهد زد، که اشاره به آنچه بر صلیب رخ داد است، سر شیطان توسط خداوندگار ما عیسی له خواهد شد.

هنگامی که خداوند حکم خود را علیه شیطان صادر کرد، دشمن شروع به استراتژی‌ریزی کرد تا از آمدن «نسل زن» جلوگیری کند. در باغ عدن، دشمن با فریب دادن آدم و حوا و وادار کردنشان به این که به جای کلام خدا، به کلام شیطان گوش فرا دهند و از آن اطاعت کنند، به هدف خود دست یافت. او می‌کوشید تا نسل بشر را فاسد و لکه‌دار سازد و آن را برای این که معبدی برای تولد پسر مقدس خدا از گوشت و خون باشد، ناپاک گرداند. پس از حمله اولیه شیطان در باغ عدن، و در حالی که نمی‌دانست پسر خدا چه زمانی از یک باکره متولد خواهد شد، شیطان فرشتگان شرور را فرستاد تا بذر زن را فاسد کنند و از این طریق در تولد مسیح از طریق یک باکره بی‌گناه مداخله نمایند. هنگامی که بخش زیر را می‌خوانیم، به ویژه به نتیجه نفوذ شوم فرشتگان سقوط کرده توجه داشته باشید:

«وقتی انسان‌ها روی زمین زیاد شدند و برایشان دختران زاییده شدند،^۱ پسران خدا دیدند که دختران انسان زیبا بودند و هر کدام را که می‌خواستند، به همسری گرفتند. آنگاه خداوند گفت: «روح من تا ابد با انسان‌ها نخواهد ماند، زیرا آن‌ها فانی‌اند؛ روزهایشان صد و بیست سال خواهد بود.»^۲ در آن ایام و همچنین بعد از آن، نفیلم‌ها بر زمین بودند، هنگامی که پسران خدا به دختران انسان رفتند و از آن‌ها فرزندان آوردند. آن‌ها قهرمانان دیرین و مردان نام‌آور بودند (پیدایش ۱: ۶-۴؛ تأکید از ماست).

اصطلاح عبری که به «بنی‌الله» ترجمه شده، «بنی‌الهی» است؛ عبارتی که در عهد عتیق به طور گسترده برای اشاره به فرشتگان به کار رفته است. این عبارت در کتاب ایوب ظاهر می‌شود، زمانی که بنی‌الوهم، که به معنای فرشتگان (در ترجمه NIV) یا پسران خدا (در ترجمه KJV) ترجمه شده‌اند، در حضور خدا ظاهر می‌شوند و شیطان نیز در میان آن‌هاست و ایوب را به داشتن انگیزه‌های نادرست در پارسایی‌اش متهم می‌کند (ایوب ۱: ۶-۱۰، ۲: ۱). شایان ذکر است که آدم، به عنوان یک موجود مخلوق، نیز پسر خدا نامیده می‌شد (لوقا ۳: ۳۸).

کتاب مقدس عبری بین‌السطوری (IHN) ترجمه‌ای جالب ارائه می‌دهد. در حالی که کتاب مقدس کینگ جیمز می‌گوید: «**بنیان‌گذاران خدا دختران انسان را دیدند که زیبا بودند**»، IHN آن را این‌گونه ترجمه می‌کند: «**بنیان‌گذاران الهی [دختران آدم را دیدند که برای گسترش [وجود] مناسب بودند.**» ممکن است که موسی (نویسنده کتاب پیدایش)، تحت الهام روح القدس، در حال توضیح این باشد که فرشتگان سقوط کرده و نظاره‌گر دیدند که می‌توانند وارد بُعد وجودی ما شوند. حمله آنها شامل مخلوط کردن ماده ژنتیکی خود با تبار خالص انسانی بود تا با ماده ژنتیکی ترکیبی، بشریت را فاسد کنند، در حالی که می‌دانستند که خداوند چنین فرموده است:

و من میان تو و زن دشمنی می‌گذارم، و میان نسل تو و نسل او؛ او سر تو را می‌شکند و تو پاشنه او را می‌زنی» (پیدایش ۳: ۱۵ نسخه بین‌المللی جدید).

شاید این فرشتگان سقوط کرده شرور گمان می‌کردند که اگر بتوانند ماهیت ژنتیکی انسان را فاسد کنند، آنگاه مسیح، نسل زن، قادر به تولد در جهان نخواهد بود. «از این رو، هنگامی که مسیح به جهان آمد، گفت: «**تو قربانی و نذری را**

نخواستهای، بلکه بدنی را برای من آماده کرده‌ای» (عبرانیان ۱۰: ۵). اگر مسیح نمی‌آمد، نسل بشر سقوط کرده در اسارت تاریک شیطان باقی می‌ماند.

اگر هدف دشمن در پیدایش ۶، فاسد کردن «بذر» بشر برای جلوگیری از تولد مسیح بود، به نظر شما هدف اصلی او امروز در تلاش برای «فاسد کردن» زندگی مؤمنان چیست؟

شواهد خارج از کتاب مقدس: نگهبانان در کتاب حزقیال و دانیال

کتاب اپوکریفا حنوک نیز به وضوح از فرشتگان شریر سخن می‌گوید که می‌آیند و در عرصه زمینی ظاهر می‌شوند. این کتاب بخشی از کانون کتاب مقدس محسوب نمی‌شد. با این حال، هم ربیان و هم پدران کلیسای اولیه، از حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد تا ۲۰۰ سال پس از میلاد، به آن احترام می‌گذاشتند و باورهای رایج آن دوره را مطالعه می‌کردند. کلیسای قبطی اتیوپی کتاب حزقیل را در کانون معنوی رسمی خود گنجانده است. پدران کلیسا در قرن دوم و سوم، مانند جاستین شهید، ایرنئوس، اوريجن و کليمنت اسکندري، به نظر می‌رسد حزقیل را معتبر دانسته‌اند. ترتولیان (۱۶۰-۲۳۰ میلادی) حتی از کتاب حزقیل به عنوان «کتاب مقدس» یاد کرده است. کتاب حزقیال دوم اسامی فرشتگانی را که بر زمین فرود آمدند ارائه می‌دهد و آن‌ها را «مراقبان» می‌نامد. این چیزی است که حزقیال نوشت:

و من حزقیل، پروردگار جلال و پادشاه اعصار را برکت می‌دادم، و ناگاه نگهبانان مرا—حزقیل کاتب—خواندند و به من گفتند: «هَنُوک، ای کاتب راستی، برو و به نگهبانان آسمان که آسمان بلند و جایگاه مقدس و ابدی را ترک کرده‌اند و با زنان آلوده شده‌اند و چون فرزندان زمینی عمل کرده‌اند و برای خود همسران گرفته‌اند، اعلام کن: شما بر زمین ویرانی بزرگی آورده‌اید: و شما نه آرامشی خواهید داشت و نه آمرزش گناه: و به همان اندازه که از فرزندان خود [نفیلیم] لذت می‌برند، قتل عزیزانشان را خواهند دید، و بر ویرانی فرزندان‌شان ناله خواهند کرد، و به درگاه ابدیت التماس خواهند نمود، اما به رحمت و آرامش دست نخواهید یافت» (حنوک ۱۲: ۳-۶).^۲

کتاب دانیال نیز سه بار به «فرشتگان نگهبان» اشاره می‌کند (دانیال ۴: ۱۳، ۱۷، ۲۳ در نسخه‌های KJV و ESV). فرهنگ لغت استرانگ واژه *watcher* را «فرشته نگهبان» تعریف می‌کند (شماره ۵۸۹۴). در دو مورد که دانیال از نگهبانان یاد می‌کند، با دقت اشاره می‌کند که آن «مقدس» بوده است، که نشان می‌دهد برخی از فرشتگان نگهبان مقدس نیستند. ترجمه NIV آن را «پیام‌آور» ترجمه می‌کند. حزقیال اشاره می‌کند که دویست تن از این فرشتگان قدرتمند از «آسمان علیا» جدا شدند و از زنان استفاده کردند تا وارد عرصه وجودی بشر شوند.

انگیزه شیطان: چرا دشمن، بشریت را هدف قرار می‌دهد

در این نقطه، این سؤال مطرح می‌شود: چرا شیطان و گروهی از فرشتگان همراه او باید از آسمان خارج شده و علیه خدا شورش کنند؟ ممکن است آنها از اینکه خدا آنها را مأمور مراقبت از باشکوه‌ترین مخلوق خود—انسان—کرده بود، خوششان نمی‌آمد. به نظر می‌رسد شیطان به آیه‌ای که در سومین و سوسه در بیابان برای مسیح نقل کرد، کاملاً آگاه بود:

«شیطان او را به اورشلیم برد و او را بر فراز معبد ایستادند. شیطان او را به اورشلیم برد و در بلندترین نقطه معبد وادار کرد بایستد.^(۱۰) زیرا نوشته شده است: «او درباره تو به فرشتگانش فرمان خواهد داد تا از تو به خوبی محافظت کنند»^(۱۱) آنها تو را در دستان خود بلند خواهند کرد تا پای خود را به سنگی نزن» (لوقا ۴: ۹-۱۱).

آیا این وعده در مزمور ۹۱: ۱۱ برای بشریت بود یا فقط برای مسیح؟ من معتقدم این وعده‌ای است که فرشتگان در قلمرو غیبی از مردم خدا، کسانی که با او عهدی بر پایه خون بسته‌اند، مراقبت خواهند کرد. فرشته سقوط کرده، شیطان، شاید خوش نمی‌آید که همه فرشتگان باید به وارثان نجات خدمت کنند:

^۲ همان، صفحه ۳۶.

آیا همه فرشتگان ارواح خادم نیستند که برای خدمت به کسانی فرستاده شده‌اند که وارث نجات خواهند شد؟
(عبرانیان ۱: ۱۴).

این متن نشان می‌دهد که فرشتگان «ارواح خادم» برای کسانی هستند که وارث نجات می‌شوند. آیا تا به حال تجربه‌ی یک محافظت «پنهان» یا لحظه‌ای را داشته‌اید که در آن احساس کردید تدبیر الهی به گونه‌ای مداخله کرده که نمی‌توانستید آن را توضیح دهید؟

این فکر زیبایی است که حتی پیش از آنکه مسیح را بپذیرید، فرشتگان برای مراقبت از شما مأمور شده بودند، همان‌طور که گفته شده، کسانی که وارث نجات خواهند بود. خدای ما خارج از زمان وجود دارد و نام شما از پیش در کتاب حیات ثبت شده بود! شیطان به جای خدمت به بشریت، شورش را با وسوسه کردن آدم و حوا در باغ عدن برای نافرمانی از خدا و پیروی از دشمن ما آغاز کرد. شیطان حقیقت اساسی را که پولس در نامه‌اش به رومیان نوشت، درک کرده بود:

آیا نمی‌دانید که وقتی خود را به عنوان بردگان مطیع به کسی می‌سپارید، بردگان کسی هستید که از او اطاعت می‌کنید—چه برده گناه باشید که به مرگ می‌انجامد، یا برده اطاعت باشید که به پارسایی می‌انجامد؟ (رومیان ۶: ۱۶).

در وسوسه عیسی در بیابان، شیطان می‌توانست به حق همه پادشاهی‌های جهان را به مسیح نشان دهد و بگوید: «من همه اقتدار و شکوه آن‌ها را به تو خواهم داد، زیرا به من داده شده و می‌توانم آن را به هر کسی که بخواهم بدهم» (لوقا ۴: ۶). شایان ذکر است که عیسی ادعای شیطان درباره تسلط بر پادشاهی‌ها و مردم زمین را انکار نکرد. اگر شیطان اشتباه می‌کرد، آیا فکر نمی‌کنید که عیسی پاسخ می‌داد؟ در عوض، عیسی از کلام خدا نقل قول کرد و گفت: «نوشته شده است: "خداوند خدای خود را پرستش کن و تنها او را عبادت نما"» (لوقا ۴: ۸).

تاریخ‌نگار یهودی قرن اول میلادی، یوسفوس فلاویوس، نیز این دیدگاه را درباره خروج همزمان بسیاری از فرشتگان از بهشت ارائه می‌دهد. یوسفوس می‌نویسد:

آنها خدا را دشمن خود ساختند؛ زیرا بسیاری از فرشتگان خدا به همراه زنان، پسرانی زاییدند که ناعادل و بی‌اعتنا به هر آنچه نیک بود، از آب درآمدند، به دلیل اطمینانی که به نیروی خود داشتند، زیرا روایت بر این است که این مردان کاری انجام دادند که شبیه اعمال کسانی بود که یونانیان آنها را غول‌ها می‌نامند.³

فلاویوس جوزفوس همچنین به عموریان باستانی کتاب مقدس که در حوالی حبرون در جنوب اسرائیل زندگی می‌کردند، اشاره می‌کند: «در حبرون، آن زمان هنوز نسل غول‌ها باقی مانده بود که بدن‌هایی چنان بزرگ و چهره‌هایی چنان کاملاً متفاوت از دیگر انسان‌ها داشتند که دیدن‌شان شگفت‌آور و شنیدن‌شان هولناک بود. استخوان‌های این مردان تا به امروز نیز نشان داده می‌شود» (جوزفوس، آثار، ۵.۲.۳). پیدایش ۶: ۴ از وجود نفیلیم‌ها در زمین در آن روزگار سخن می‌گوید. نسخه پادشاه جیمز واژه «نفیلیم» را «غول‌ها» ترجمه کرده است. نفیلیم‌ها فرزندان اتحاد ناشایست میان فرشتگان و دختران انسان بودند. واژه نفیلیم از واژه عبری «نفل» به معنای «افتادن» گرفته شده و بنابراین به معنای «افتادگان» است. هنگامی که عهد عتیق در قرن سوم پیش از میلاد به یونانی (هفتادتن) ترجمه شد، واژه عبری «نفیلین» به یونانی به صورت «گیگانتس» (Gigantes) ترجمه شد که به معنای «زمین‌زادگان» است.

علت طوفان بزرگ در زمان نوح چه بود؟ اگر به خاطر پلیدی گناهانشان بود، چه چیزی ما را در زمان خودمان بهتر می‌کند؟ چرا خدا می‌خواست تمام مخلوقاتش را به جز هشت نفر و کشتی‌ای پر از حیوانات نابود کند؟

نفیلیم و طوفان: حفظ نسل مسیحایی

³یوسفوس فلاویوس، آثار باستانی، جلد اول، بخش ۳، بند ۱

به آنچه کتاب مقدس در مورد نتیجه آمیختگی بذر فرشتگان سقوط کرده با دختران انسان بیان می‌کند، توجه کنید. به کلمات توصیفی (صفت‌ها) که به کار رفته‌اند، دقت کنید:

«خداوند دید که شرارت نسل بشر بر زمین چقدر عظیم شده است و اینکه هر انگیزه‌ای در افکار قلب انسان همواره شرور بود.»^۹ خداوند از اینکه انسان را بر روی زمین آفریده بود، پشیمان شد و قلبش عمیقاً آزرده گردید.^{۱۰} پس خداوند گفت: «نسل بشری را که آفریده‌ام از روی زمین محو خواهم کرد و با آنها حیوانات، پرندگان و موجوداتی را که بر زمین می‌خزند نیز محو خواهم کرد، زیرا از آفرینششان پشیمانم.»^{۱۱} اما نوح در نظر خداوند رحمت یافت. این است نسب‌نامه نوح و خانواده‌اش. نوح مردی صالح و بی‌عیب در میان مردم زمان خود بود و او با خدا به درستی راه رفت.^{۱۲} نوح سه پسر داشت: سام، حام و یافث.^{۱۳} اکنون زمین در نظر خدا فاسد شده و از خشونت پر شده بود.^{۱۴} خدا دید که زمین چگونه فاسد شده است، زیرا همه مردم روی زمین راه‌های خود را فاسد کرده بودند.^{۱۵} پس خدا به نوح گفت: «من قصد دارم همه مردم را نابود کنم، زیرا زمین به واسطه آن‌ها از خشونت پر شده است. من قطعاً هم آن‌ها و هم زمین را هلاک خواهم کرد.» (پیدایش ۶: ۵-۱۳؛ تأکید اضافه شده)

در آیه ۹ از متن فوق می‌خوانیم که نوح صالح و بی‌عیب بود. واژه‌ای که به «بی‌عیب» ترجمه شده، اصطلاح عبری «تامیم» است که به معنای «بدون نقص، سالم، تندرست، بدون لکه، بی‌عیب و نقص» می‌باشد. این واژه نشان‌دهنده عدم وجود نقص جسمانی است. کاربرد آن نشان می‌دهد که نوح همان تفاوت‌های ژنتیکی را که بیشتر جمعیت زمین داشتند، نداشت. نوح از تغییرات ژنتیکی آلوده ناشی از تهاجم فرشتگان سقوط کرده به گونه انسان، مبرا بود. من معتقدم این بخش نشان می‌دهد که طوفان، محافظت خدا از ذخایر ژنتیکی پاک او بود. تنها کسانی که آلوده نبودند، خانواده نوح بودند.

بخش‌های دیگری در کتاب مقدس این حمله فرشتگان سقوط کرده به خلقت خدا را توصیف می‌کنند:

«پس از زنده شدن، او [مسیح] رفت و به ارواحی که در زندان بودند موعظه کرد — به کسانی که در زمان‌های قدیم، هنگامی که خدا در روزگار نوح و در حین ساختن کشتی با شکیبایی انتظار می‌کشید، نافرمانی کرده بودند. تنها چند نفر، یعنی هشت تن، از طریق آب نجات یافتند (اول پطرس ۳: ۱۹-۲۰).»

«فرشتگانی که مقام‌های خود را حفظ نکردند و مسکن شایسته خود را ترک کردند، او آنها را در تاریکی به زنجیرهای ابدی بسته و برای روز بزرگ محاکمه نگه داشته است.»^{۱۶} به همین ترتیب، سدوم و گومور و شهرهای اطرافشان خود را به آلودگی جنسی و انحراف تسلیم کردند. آنها نمونه‌ای هستند از کسانی که مجازات آتش ابدی را می‌کشند (یهودا ۶-۷).

نویسندگان چاک میسلر و مارک ایستمن درباره واژه‌ای که در ترجمه NIV به «dwelling» و در KJV به «habitation» ترجمه شده است، در آیات فوق از کتاب یهودا بحث می‌کنند:

جالب این است که واژه‌ای که در ترجمه NIV به «مسکن» [و در NIV به «سکونتگاه مناسب»] و در KJV به «سکونتگاه» ترجمه شده است، oiketerion، به بدن‌های آسمانی اشاره دارد که آن‌ها از آن برهنه شده بودند. این اصطلاح تنها دو بار در عهد جدید ظاهر می‌شود و هر بار به بدن به عنوان محل سکونت روح اشاره دارد (مکان دیگر در دوم قرنتیان ۵: ۲ است). «سپردن خود به زنا و دنبال کردن گوشت غریبه» به نظر می‌رسد شامل ترک «مقام نخست» قبلی‌شان، یعنی بدنی بوده است که در ابتدا «بر تن» داشتند.^۴

کتاب مقدس به ما می‌گوید که نفیلیم‌ها (فرزندان این رابطه نامشروع، که به عنوان «سقوط‌کردگان» نیز شناخته می‌شوند) در روزگار نوح و پس از طوفان بر روی زمین بودند.

نفیلیم‌ها در آن روزگار — و همچنین پس از آن — بر روی زمین بودند (پیدایش ۴: ۶).

^۴ چاک میسلر و مارک ایستمن، برخورد‌های بیگانگان، چاپ کوپینوینیا هاوس، صفحه ۲۱۱.

عبارت «و همچنین بعد از آن» به تأمل وامی دارد، هر چند معنای دقیق آن نامشخص باقی مانده است. برخی از محققان کتاب مقدس پیشنهاد می کنند که داستان ها و اسطوره های خدایان یونانی مانند تایتان، هرکول، پوزئیدون، هرمس، اروپا و زئوس ممکن است از روایت های مربوط به نفیلیم که در کتاب مقدس ذکر شده اند، نشأت گرفته باشد. این بدان معنا نیست که اسطوره های یونانی حقیقت دارند، بلکه به این معناست که داستان های نفیلیم ممکن است الهام بخش آن ها بوده باشد. متون کتاب مقدس چندین مرد با جثه ای فوق العاده را ثبت کرده اند، مانند ع۱۶، پادشاه باشان، آخرین نفر از رفقایم، که تخت آهنی اش ۱۳ فوت طول و ۶ فوت عرض داشت (تثنیه ۳: ۱۱)، که نشان می دهد او بسیار بلندتر از انسان های معمولی بوده است. همچنین، مردی از gat به عنوان فردی عظیم الجثه توصیف شده است که در هر دست شش انگشت و در هر پا شش انگشت پا داشت — در مجموع بیست و چهار — و از نسل Rapha بود (۲ سموئیل ۲۱: ۲۰). گولیات، غول فلسطینی که توسط داوود کشته شد، گفته می شود که شش وجب و یک کف دست قد داشته است. با در نظر گرفتن معیار استاندارد وجب به اندازه ۲۵.۲ اینچ در زمان سلیمان، قد گولیات حدود ۱۲ فوت و ۹ اینچ بوده است. بسیاری از مفسران کتاب مقدس معتقدند که گولیات ممکن است از نسل نفیلیم بوده باشد.

هنگامی که بنی اسرائیل از مصر بیرون آمدند، خداوند این ملت جدید را تا مرز سرزمین کنعان هدایت کرد و جاسوسانی را برای شناسایی آن فرستاد. ده نفر از دوازده جاسوس با گزارشی منفی بازگشتند و گفتند،

اما مردانی که همراه او رفته بودند گفتند: «ما نمی توانیم به آن مردم حمله کنیم؛ آنها از ما قوی ترند.»^{۲۲} و در میان بنی اسرائیل گزارش بدی درباره سرزمینی که کاوش کرده بودند پخش کردند. آنها گفتند: «سرزمینی که کاوش کردیم، ساکنانش را می بلعد. تمام مردمی که آنجا دیدیم جثه عظیمی دارند.»^{۲۳} ما نفیلیم ها را آنجا دیدیم (عناقل از نسل نفیلیم هستند). ما در نظر خودمان مثل ملخ بودیم، و در نظر آنها نیز همین طور بودیم» (اعداد ۱۳: ۳۱-۳۳. NIV).

شاید آیه فوق توضیح می دهد که چرا خداوند به یوشع و بنی اسرائیل همراه او دستور داد ساکنان سرزمینی را که وارد آن می شدند، به طور کامل نابود کنند.

جنگ روحانی عملی: چگونه امروز در نور گام برداریم

شیطان استراتژی خود برای فاسد کردن بشریت را رها نکرده است. از طریق صلیب مسیح، ما از تکلیف خدمت به گناه و شیطان رهایی یافته ایم. کسانی که از روح القدس دوباره متولد شده اند، می توانند انتخاب کنند که از چه کسی اطاعت کنند: شیطان یا خدا. پروردگار ما عیسی کاملاً از گناه پاک و قربانی کفاره کامل بود. هنگامی که در آن شب آخر در اتاق بالا با حواریون بود، گفت: «دیگر با شما زیاد صحبت نخواهم کرد، زیرا حاکم این جهان می آید. او بر من هیچ حقی ندارد» (یوحنا ۱۴: ۳۰). شیطان هیچ حقی بر مسیح نداشت. ما که آمرزش و قدرت روح را دریافت کرده ایم، باید چنان زندگی کنیم که شیطان در ما هیچ حقی نداشته باشد. اگر بدانید در مسیح چه کسی هستید، می توانید با اطمینان همین را بگویید. او (دشمن ما) هیچ حقی بر ما ندارد. ما باید در این جهان بدی که اکنون در آن زندگی می کنیم، همچون فرزندان کاملاً راستین نور زندگی کنیم، که در واقع همین هستیم.

اصطلاح «فساد» معنای حقوقی خاصی دارد. به گفته دانشکده حقوق کرنل، فساد به عملی گفته می شود که نادرست، متقلبانه یا غیر اخلاقی است و توسط یک فرد یا سازمان انجام می شود و اغلب شامل سوءاستفاده از قدرت سپرده شده برای منافع شخصی یا مزایای غیرقانونی است. در مقابل، واژه هایی که در مقابل فساد قرار دارند عبارتند از: «صادق، قابل اعتماد، اخلاقی، قانونی، نیکوکار و بی گناه.» خوشبختانه، خداوند ما عیسی مسیح قربانی ای پاک و بی گناه ارائه کرده است تا بر فریب و فساد که انسان ها از زمان سقوط با آن روبرو بوده اند، غلبه کند. از طریق رستگاری او، ما آزاد شده ایم.

از آنجا که ما آزاد شده و به زندگی جدیدی که در مسیح به ما عطا شده است بازگردانده شده ایم، چگونه باید همچون فرزندان نور زندگی کنیم؟ دنیایی که ما امروز به عنوان مؤمنان قرن بیست و یکم در آن زندگی می کنیم، پر از حواس پرتی ها و وسوسه ها است. حتی فناوری ما نیز می تواند به عاملی فاسدکننده تبدیل شود، مگر اینکه ما به طور آگاهانه ریاضت های روحانی را تمرین کنیم. هنگامی که وسوسه می شوید یا با چالش های زندگی روبرو می شوید، به تخت فیض خدا نزدیک شوید. ما باید در زمان های نیاز برای دریافت حمایت، بر فیض او تکیه کنیم (عبرانیان ۴: ۱۶). دشمن سعی می کند ما را با

اتهامات، فریب، وسوسه، دلسردی و تلاش برای منزوی کردن مؤمنان، بترساند تا مبارزه را رها کنیم. عضویت در بدن مسیح حیاتی است، زیرا ما در ایمان از یکدیگر حمایت و تشویق می‌گیریم. خوشبختانه، ما مجبور نیستیم در این نبرد روحانی صرفاً به خودمان تکیه کنیم. از آنجا که این یک نبرد روحانی است، باید به حکمت و قدرت خدا متکی باشیم. از ما خواسته نشده است که بدون یاری الهی به تنهایی با دشمن خود روبرو شویم.

شما را تشویق می‌کنم که هر روز زمانی را به مطالعه کلام خدا اختصاص دهید. اگر عیسی، پسر خدا، در هنگام وسوسه شدن توسط شیطان در بیابان تنها به کلام خدا تکیه کرد، چه رسد به ما! «چگونه می‌تواند جوان راه پاکی را ببیماید؟ با عمل کردن به کلام تو» (مزمو ۱۱۹: ۹). کلام خدا مانند آینه است (یعقوب ۱: ۲۳). وقتی در آینه نگاه می‌کنیم، بازتاب دقیقی از خودمان را می‌بینیم. کتاب مقدس می‌گوید کلام خدا زنده است و قدرت آفرینش دارد (عبرانیان ۴: ۱۲). کلام خدا که توسط روح القدس نیرو می‌گیرد، به ما این امکان را می‌دهد که پادشاهی خدا را در زندگی خود تجربه کنیم و آن را به دیگران برسانیم. هنگامی که بر باقی ماندن در مسیح از طریق کلام او تمرکز می‌کنیم، می‌توانیم از حواس‌پرتی‌ها و نقشه‌های دشمن اجتناب کنیم.

مراقب آنچه به دروازه‌های روح خود اجازه ورود می‌دهید باشید. دروازه چشم، شنوایی و زبان: «در راههای خود نگاه خواهم داشت و زبانم را از گناه خواهم داشت؛ دهانم را در حضور شریران خواهم بست» (مزمو ۳۹: ۱). یعقوب نوشت که یک شخص زمانی در مسیح به کمال می‌رسد که بتواند زبان خود را مهار کند: «اگر کسی خود را دیندار بداند و اما مهاری بر زبان خود نزند، خود را فریب می‌دهد و دین او بی‌ارزش است» (یعقوب ۱: ۲۶).

هر روز، ما با آنچه به ذهن، چشم و گوش خود راه می‌دهیم، تصمیماتی اتخاذ می‌کنیم که بر روحیه‌مان تأثیر می‌گذارد. افکار و اعمال ما مستقیماً بر زندگی خودمان و دیگران تأثیر می‌گذارد. خلاصه اینکه، می‌توانیم با انجام موارد زیر بر دشمن غلبه کنیم:

۱) اگرچه شیطان نامرئی است، اما موجودی بسیار شرور روحانی است، اما خدای ما بر همه بزرگتر است و برای ما خواهد جنگید. ما مجبور نیستیم به قدرت خود تکیه کنیم، زیرا خداوند همیشه قدرت خود را عرضه می‌کند. او زندگی ما را با زندگی الهی خود مبادله می‌کند.

۲) با خواندن کتب مقدس، کنترل زندگی فکری خود و تلاش برای زندگی مطابق با آنچه خدا در کلام خود به ما آشکار کرده است، در مسیح بمانید. زندگی فکری ما در قلب این نبرد قرار دارد. دعای اصلی عیسی پیش از رفتن به پیش پدر این بود که ما یک باشیم. در همبستگی با دیگران، یعنی بدن مؤمنان در مسیح، بمانید.

۳) هنگامی که در مبارزه‌ای هستید، به تمام آنچه خدا برای حفظ، رهایی و محافظت از شما انجام داده است، ببینید. با جسارت به پیش تخت فیض او بیایید، زیرا خدای ما به نفع ماست! اگر خدا پدر آماده بود تا پسر خود را به خاطر ما فدا کند، می‌دانیم که او می‌تواند از ما محافظت نماید. اگر از این مجموعه تعالیم چیزی با خود می‌برید، آن را این آگاهی باشد که خدا به نفع ماست:

زیرا من یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه فرمانروایی‌ها، نه آنچه اکنون هست و نه آنچه در آینده خواهد بود، نه قوا و نه بلندی و نه عمق، و نه هیچ مخلوق دیگری، نمی‌تواند ما را از محبت خدا که در مسیح یسوع خداوند ماست جدا سازد (رومیان ۸: ۳۸).

از میان سه راهی که برای غلبه بر دشمن ذکر شد (اقامت در کلام، کنترل «دروازه‌ها» و به یاد داشتن محبت خدا)، کدام یک را در عصر دیجیتال ما دشوارتر برای حفظ می‌دانید؟

کاربرد: زندگی به عنوان فرزندان نور

درک تاریخچه تاریک فرشتگان سقوط کرده قرار نیست باعث ترس شود، بلکه برای ارائه زمینه معنوی است. در اینجا نحوه کاربرد این مطالعه در این هفته آمده است:

- از یکپارچگی معنوی «ژنتیکی» خود محافظت کنید: همان‌طور که نوح در نسل خود «بی‌عیب» (بی‌لکه) بود، ما نیز فراخوانده شده‌ایم که متمایز باشیم. یک «ورودی» را شناسایی کنید—یک برنامه تلویزیونی، یک عادت رسانه‌های اجتماعی، یا یک گفتگوی سمی—که «صلح» شما را فاسد می‌کند، و متعهد شوید که به مدت ۳ روز از آن روزه بگیرید.
- از «شمشیر» کلام استفاده کنید: وقتی شیطان به عیسی وسوسه کرد، از سلاح فیزیکی استفاده نکرد؛ بلکه از دروغ استفاده کرد. عیسی با این پاسخ داد: «نوشتۀ شده است.» این هفته، نامه رومیان ۸:۳۱ را حفظ کنید: «اگر خدا با ماست، چه کسی می‌تواند بر ما باشد؟» هر وقت احساس ناامیدی کردید، آن را با صدای بلند بگویید.
- حفاظت خود را بپذیرید: هر صبح پنج دقیقه وقت بگذارید و از خدا برای «فرشتگان نگهبان» (روح‌های خدمتگزار) که در اطرافتان قرار داده است، سپاسگزاری کنید. حرکت در آگاهی از حفاظت الهی، موضع شما را از یک قربانی به یک فاتح تغییر می‌دهد.

دعا: ای پدر، از محبت غلبه‌کننده و سرشار تو که درک آن برایمان ممکن نیست، سپاسگزاریم. از تو می‌خواهیم که به ما کمک کنی تا همچون فرزندان نور زندگی کنیم. آمین.

کیت توماس

وبسایت: www.groupbiblestudy.com

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>